

به زبان اکنون

تاثیر حرکت اصلاحی در آرای تفسیری محمد عبده

تطور تفسیر در هر دوره نشان می‌دهد که اندیشه‌ها و رفتارهای فکری و اجتماعی مردم در چه سطحی از تعالی یا پستی قرار دارد و اساساً این تطور، جهت فکری اندیشمندان آن دوره را معلوم می‌کند چرا که قرآن، در نگارش اسلامی و دینی، ترمیم‌کننده چهار چوب پیشین مسلمانان در باره مسائل بی‌پایان است و موضع‌گیری‌های سیاسی، اجتماعی و اخلاقی است. مصلحان مسلمان که بعد از ظهور پدیده استعمار، قلمروهای اسلامی را در تسلط بیگانگان دیدند، فرمان خودمختاری جامعه اسلامی را در عین گشت به قرآن می‌دیدند. این سخن به این معنا نبود که آنها فقط دست به نوشتن کتاب‌های تفسیری بزنند بلکه به این معنا بود که پانگامی تازه، طبق شرایط و اقتضات جدید، به قرآن روی آوردند؛ همین توجه است که بنیان تألیف تفسیرهای نوین در روزگار معاصر را بنا نهاده است. مصلحان مسلمان، اساسی‌ترین عامل تباهی جوانان اسلامی را برکنار ماندن از تعالیم قرآن و دور ماندن از تفسیر صحیح آن دانسته‌اند و به همین علت است که دوران حرکت‌های اصلاحی، همان‌ها را عصر بازگشت به قرآن و نگارش تفسیرهای جدید بر قرآن است. از میان مفسران دوره جدید، که چنین دیدگاهی داشتند می‌توان به محمد عبده اشاره کرد.

در بررسی تأثیر اندیشه‌های اصلاحی عبده در تفسیر قرآن و گزینش نوعی خاصی از روش تفسیری، می‌توانیم این تأثیرگذاری را در ۳ جنبه ارزیابی کنیم: تأثیر اندیشه اصلاحی او در روش تفسیری اش، تأثیر اندیشه اصلاحی عبده بر شیوه تفسیر نگاری و تأثیر اندیشه اصلاحی عبده در انتخاب برخی موضوع‌های تفسیری. مواردی که از این پس می‌آید، سوارادی از این تأثیر و تأثر است که به هر ۳ جنبه فوقی مربوط است. این موارد در ۱۱ عنوان به همراه توضیحاتی آورده می‌شود.

این مقصود در تضاد باشد، مقبول نیست مگر آنکه به آن بگویند به خدا کنیم»^۱ مسأله دیگر در این باره به آنجا که مربوط است، عبده و پیروان او استفاده از اسباب نزول در تفسیر قرآن را ضعیف شمرده و برای آن جایگاه خاصی قائل نشده‌اند. در تفسیر «المنازل» چنین می‌خوانیم: «شیوه روایت اسباب نزول، پایه شکنجی است؛ اینان مجموعی منسجم و پیوسته از آیات قرآن را از هم گسسته و آنها را از یکدیگر جدا کرده‌اند و برای هر جمله، قائل به سبب نزول جداگانه شده‌اند. آیا وقت و دین، ما را مجاز می‌کند که با قرآن چنین کنیم؟ آن هم با استناد به روایاتی که در این باره وارد شده است»^۲

رشدی‌ها که در لایه تفسیرات قدیمی استناد - عبده - را بر عبده داشته است، در جایی حتی روایات مربوط به شأن نزول را «هر چند از جهت سبب صحیح باشد - مستور می‌دند و توصیه می‌کنند که برای فهم درست و به دور از تکلف برخی آیات بهتر است به خود قرآن مراجعه کنیم نه به این گونه روایات. او در بحث درباره آیه «فما لکم فی المناقرین فنتین» (سوره احزاب) می‌نویسد: «برخی از روایاتی که سبب صحیح دارند مانع از فهم معنای درست این آیه شده‌اند. معنای درست این آیه بدون هیچ تکلفی از خود آیه به دست می‌آید»^۳

عدم توضیح و تفسیر مبهمات قرآن مفسرانی که به تفسیر نقلی معتقد نیستند، قاعدتاً از تفسیر مبهمات که تنها در گروه نقلی است، می‌بریزند. این امر اساساً یکی از مختصات روش تفسیری عبده و قائلان به روش عقلی - اجتماعی در تفسیر است. بنا بر اعتقاد این گروه، بهتر است مردم معمولی، سخنی که در جیب است، به دربار اموری که راهی به دانستن آنها نیست، بپوشانند زیرا خداوند نیز انسان را به دانستن آنها مکلف نکرده و هیچ‌یک از احکام خود را به دانستن آنها موقوف نکرده است»^۴ در این باره به آرسون از آرای عبده اشاره می‌کنیم:

«بنا بر عقیده (عص) (۲۱) می‌گویند: «آنچه از ما در این

فرشته جسمی مادی است یا ابر، جملاتی است که فقط با فریادهای سخت و تازیانه‌زدن‌های پیوسته گانهر می‌تواند»^۵

کاستن از رتبه تفسیر نقلی قائلان به روش عقلی - اجتماعی پس از این خواهیم گفت که عبده نیز در شمار همین افراد است (استفاده از سنت، روایات اصحاب و اقوال تابعین را در تفسیر قرآن چندان لحاظ نکرده و معتمد نمی‌داند و به همین دلیل لحن چندی از آن‌ها تند است. مثلاً رشیدی‌ها که از شاکر حان بی‌واسطه و از منتقدان به روش تفسیری عبده شکر داشتند، این باور است که اقوال صحابه و تابعین تنها برای شناخت معنای لغوی کلمات قرآن حجت است. او همچنین اگر چه روایات مرفوعه را به پاس احترام در تفسیر معتبر می‌داند ولی نقل صحیح در این موارد را آنکه می‌داند و معتقد است که روایات بسیاری از او با بیان و تفسیر عبده، هم‌جوش و هم‌پوشانند تا داخل شده است»^۶

به نظر می‌رسد که این بی‌اعتنایی یا بی‌توجهی به کلماتی قائلان به تفسیر عقلی - اجتماعی نیست. جت به روایات باعث شده است تا در این باره به آرا و اقوالی معتقد شوند که باید با قواعد و اصول حدیثی و فقهی اهل سنت، سازگار باشند. معتقدان ترمیم‌گرا در حدیث صحابه بیشتر عالمان اهل سنت به تمام اصحاب و عادل می‌دانند و شیخ‌ها معتقد است که بدون تردید در میان اصحاب افراد منافق نیز بودند»^۷

در باب تنزل جایگاه تفسیر نقلی از دیدگاه عبده و قائلان به روش عقلی - اجتماعی در تفسیر قرآن چند نکته دیگر را یادآوری می‌کنیم. یک نکته به جهت تنبیه و تخریب و خیر واحد در عقاید مربوط است. در حدیث تفسیر سوره فلق به روایت وارد شده در جلد ۱۰۰، بن پیغمبر ص اشاره و آن را رد می‌کنند و می‌نویسند: «این روایت بر فرض صحت، خبر واحد است و خبر واحد در عقاید، حجت نیست. معتقدان به پیغمبر ص در شمار عقاید اسلامی است و هر چه با

به وسایله آن از دین و جان خودش در برابر تجاوزگران حمایت کند، نه اینکه بزرگی بیورش برسد» زیرا نخستین راه دعوت اسلام، «حکمت» و «قول حسن» است»^۸

به عنوان نمونه خود عبده در تفسیر و توضیح آیه «فلا تقم العتق» و «ما امرک صا العتق» (نک رتبه) تاوان و کوفتیش در راهی برده‌گان است. در ارزش آزاد ساختن برده‌گان - اضافه بر آنچه در قرآن آمده است - روایات بسیاری که به حدیث تواتر معنی می‌دهد وارد شده است و این نشانگر میل اسلام به آزادی و دشمنی آن با «تارت و بردگی» است»^۹

گفتیم که مهم‌ترین دستاورد حرکت اصلاحی عبده، روش اجتماعی - عقلی او در تفسیر قرآن است. در اینجا فقط به اعتبار به این نکته اشاره می‌کنیم که عقل در تفسیر اصلاحی به عدم مهم‌ترین ابزار شناخت معارف دینی به ویژه قرآن است. «تا خود در این باره چنین می‌گویند: «تفسیر اسفل در تحصیل علم از دیدگاه اسلام، عقل است. سنت اسلام پیش از هر چیز بر بیان عقل بنا نهاده شده است. عقل روزی که از ایمان راستین است، اسلام نیز عقل برتری را حجت دانسته و این به معنای قبول سلطنت عقل است. پیغمبر این نمی‌تواند به عقل ضعیف کند و آن را به کس دیگری نهد»^{۱۰} اما نمونه سوم به حد هنگام بحث درباره مصداق «کوتر» می‌تواند: «در این باره باید حقیقت معلوم را به حدیث و اکتفا به قرآن را در شمار عقیده خود نیاوریم و به کس کتاب و دلیل عقل عملی کنیم»^{۱۱}

و نمونه چهارم، نمونه دیگر در تکیه عبده بر معیار عقلی، نقد و رد سخن جلال‌الدین سیوطی است. عبده تفهیر سیوطی از آیه «او کسب من السلام فی ظلمات و رعد و برق» (سوره بقره ۱۲۶) را رد می‌کند و می‌نویسد: «سیوطی گفته است: رعد، فرشته یا صدای فرشته است و برقی، تاریک است که با آن ابرها را می‌زنند»^{۱۲} گویی

فاطمه رستم آبادی تفسیر عقلی - اجتماعی

مهم‌ترین دستاورد اندیشه اصلاحی در قلمرو تفسیر قرآن، پیدایش روش عقلی - اجتماعی است. عبده عقلی از این حیث که توجه مصلحان دینی و اجتماعی به عقل، باعث شد تا در فهم معنای قرآن برای عقل جایگاه مهمی قائل شوند و اجتماعی از این حیث که اندیشه تفسیر مصلحان به انگیزه یافتن پاسخی برای نیازها و اصلاح امور جامعه اسلامی بود و صیقلی اجتماعی داشت به گونه‌ای که حتی از آیات تاریخی و عبادی قرآن نیز برداشته‌های اجتماعی ارائه می‌دادند. اساساً ویژگی شناخت نهضت‌های اصلاحی که به صورت‌های گوناگون با مصلحان واحد یا مشابه در عالم اسلام ظهور کرد، در این بوده است که اسلام و قرآن را نه یک عقیده مجبور و ایمان صرفاً قلبی بلکه یک نظام تمام‌عیار دینی - اجتماعی می‌دانند. عبده یعنی یک فرهنگ بالنده که در متن اجتماع خود در دل

در تفسیر مربوط به قرنی چهاردهم «المنازل» لیس مربوط به همین دوره است) با مباحثی رویه‌رو کنیم که گرایش اجتماعی مفسران را به حویلی نشان می‌دهد. مباحثی چون آزادی اعتقادی و سیاسی، نظام سیاسی، نظام اقتصادی اسلام و مفاصله آن یا نظام‌های دیگر، مسأله عدالت و حکومت (خلافت) اسلامی و... این گرایش را می‌توانیم متأثر از اصول فکری مصلحان بدانیم که به قلمرو تفهیر وارد شده است.

اینکه به آرسون از اقوال عبده اشاره می‌کنیم که در آنها صیغه عقلی - اجتماعی در تفسیر قرآن قابل مشاهده است:

«منه بگویم آنکه عبده در تفسیر آیه «لا اکراه فی الدین» قد تفسیرش از رشد من الهی» (سوره بقره ۲۵۶) می‌نویسد: «لا اکراه فی الدین، قاعدتاً بزرگ از قواعد اسلام و رکن عظیمی از ارکان سیاسی این دین است. اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که کسی را وادار کنند تا اسلام بپاورد یا از اسلام خارج شود. امام علمان در صورتی می‌توانیم این رکن را بر ما داریم و این قاعده را حفظ کنیم که توان و نیرو داشته باشیم تا



اعتقاد مصلحان دینی اجتماعی به نقش هدایتی قرآن این عقیده را به وجود آورد که معرفت دینی باید بصورت مجموعه‌ای از شناخت‌ها درآید

تفسیری، تفسیر بی‌روحی است که باعث دوری از خدا و کتاب الهی می‌شود. این قسم از تفسیر، گویی فقط عهده‌دار تحلیل اکتفا و تکرار جمله‌ها و بیان اشارات و نکات اصلاحی و فنی است. این نوع از تفسیر در واقع، تفسیر بی‌روح است بلکه بیشتر تمرین در فن بلاغت، نحو و مانند آن است. نوع دوم تفسیر، تفسیری است که مفسران در آن، هنگام مواجهه با کلام الهی در جست‌وجوی فلسفه تشریح عقاید و احکام برمی‌آیند، به گونه‌ای که مردم را به هدایت قرآنی رهنمون شوند و این همان تفسیری است که من در جست‌وجوی آن هستم.^{۳۳}

اعتقاد به پیوسته بودن آیات
اعتقاد مصلحان دینی-اجتماعی به نقش هدایتی قرآن، این عقیده را به وجود آورد که معرفت دینی باید از حالت اعتقالات پراکنده و ناپیوسته و سردی خسار شود و به صورت مجموعه‌ای از شناخت‌ها برآید که نقش هر یک از آنها در مجموعه نظام فکری اسلامی و کیفیت ارتباط آنها با هم معلوم شود. شخص است.

در تفسیر «المنار» درباره پیوستگی موضوعی، دوره‌های پسر، آل عمران، سوره مائده، اسراف و تمام چنین می‌خوانیم: «سوره بقره در بیان اصول و فروع اسلام جامع‌ترین سوره قرآن است چرا که در آن از توحید، هدایت و رسالت عامه و خاصه، ارکان عملی اسلام، باقریش هستی، احکام معاملات مالی، احکام جنگ، احکام خانوادگی و سرگذشت اهل کتاب، مشرکان و منافقان سخن رفته است. سوره‌های ابتدایی که پس از این سوره قرار گرفته‌اند در واقع باقیمانده همان چیزی هستند که در سوره بقره قرار یاد شده است. ۳ سوره نخست این سوره‌ها (آل عمران، سوره مائده و تفسیر انور) مربوط به اهل کتاب است جز آنکه در سوره بقره محتاج با پیوند بیشتر از این سوره است و در سوره آل عمران، محتاج با نصرا بیشتر است. سپس در سوره مائده باقی‌مانده احتجاج با پیوه و نصرا آمده است. بان گونه که بحث از عقاید در سوره بقره مطرح شده، در هیچ سوره‌ای مطرح نشده است و بعد از آن، سوره اعراف، تکمیل کننده مباحث الهیاتی مربوط به سنت‌های نبدیل ناپذیر الهی درباره پیمان و شیون است. آیات ایشان است.»^{۳۴}

برخی پژوهشگران که درباره روش تفسیری هم‌بده اشاری نگاشته‌اند درباره پیوستگی معنوی آیات در روش تفسیری او چنین گفته‌اند: «عده آیات را به گونه‌ای تفسیر کرده است که پیوستگی معنی آنها با یکدیگر آشکار است. در دیدگاه عده آغاز آیات با آخر آنها و آخر آیات با آغاز آنها پیوسته است به همین دلیل است که عده در آغاز تفسیر خود برای هر سوره این مسأله را تذکر می‌دهد و ما را از آن آگاه می‌سازد. این امر در تفسیر عده چنان جلوه می‌کند که سوره، تصویری شکست‌ناپذیر ارائه می‌دهد که رنگ‌هایی متناسب نشانه‌هایی همانند یک ساختار پیوسته دارد.»^{۳۵}

توجه به تفسیر موضوعی
نگاه جدید و برهمنیت‌سوز مصلحان دینی خوانا سوره نیازمند اتخاذ شیوه‌ای نوین بود چرا که استفاده از روشی ثابت در تفسیر قرآن به‌طور معمول، در تاوردهایی همانند ما به همراه دارد و مصلحان دینی-اجتماعی که در اندیشه‌ها نظر فهم قرآنی و دینی در جامعه اسلامی بودند به جست‌وجوی شیوه‌های نوینی در تفسیر قرآن پرداختند و چنین شد که تفسیر موضوعی نیز یکی از جلوه‌های اندیشه اصلاحی شد.

مجلس «عروالو توفی» که دستاورد و میراث علمی و فرهنگی مسجد جمال الدین اسفندیاری و عده است نمونه آشکار این گرایش در تفسیر قرآن است. مسجد جمال و عده در این مجلس حدود پنجاه و اندی از آیات قرآن را تفسیر یا به

آنها استشهاد کرده‌اند و به مسائلی پرداخته‌اند که هیچ‌یک از قرآن پژوهان پیشین به آنها نپرداخته بودند و ما خیلی کم‌رنگ و ضعیف به آنها اشاره کرده‌ام و از کنارشان گذشته بودیم.^{۳۶}

پنجاهین می‌بینیم که یکی از دستاوردهای علمی اندیشه اصلاحی، پیدایش روش گزینشی است. همان تفسیر موضوعی بود که اولین جلوه‌های آن در آثار تفسیری مصلحان مسلمان پدید آمد. آنها با توجه به شرایط روزگار خود موضوع‌هایی را که دارای اهمیت بودند، طرح و سپس آیات مناسب با آنها را بررسی می‌کردند. این کار به این منظور انجام می‌شد که دیدگاه همه‌جانبه و جامع قرآن درباره موضوع‌های مورد بحث معرفی شود.

توجه به گروه‌های گوناگون جامعه
با دقت در تاریخ تطور شیوه‌های نگارش تفسیر، به خوبی فرمی داریم که یکی از تفاوت‌های شیوه‌های نگارش تفسیر در دوره‌های پیشین و دوره جدید، تفاوت در اسلوب نگارش تفسیر است. مفسران پیشین آثار خود را با اسلوب علمی و اصطلاحات فنی همراه می‌کردند، به گونه‌ای که برخی از عباراتشان خود محتاج شرح و بیان بوده و می‌مصلحان در اسلوب نگارش خود، عده مردم مسلمان را در نظر می‌گرفتند. شاید بتوانیم چنین بگوییم که مفسران پیشین باور نداشتند که عده مردم نیز می‌توانند به‌طور مستقیم و بی‌واسطه از تفسیر و معارف دینی بهره بگیرند بلکه علمان باید معارف دینی و قرآنی را از طریق متون مختلفه-از جمله تفسیر-به مردم انتقال دهند و در این اندیشه نبوده‌اند که به گونه‌ای بنویسند که در حد فهم تمام مردم باشد. به همین دلیل مفسران فقهی و سبک و اصطلاح علم فقه و مفسران متکلم به سبک آثار کلامی و مفسران فلسفی مشرب

صوفیان و نصاب صاحبان فرق علیّه یکدیگر می‌رسانند.^{۳۷}

مصلحان مفسر تنها به این سخنان اکتفا نکردند بلکه همگان با این اعتقاد به شیوه متکلمان، مسائل جدیدی را وارد مباحث تفسیری کردند. این مسائل، گروه گسترده‌ای از موضوع‌ها را در بر می‌گیرد که همگی دارای ویژگی مشترک هستند:

۱- مسائلی برای نمایاندن توان نظری و عملی

با اسلوب و اصطلاح‌های رایج در فلسفه، آثار تفسیری خود را نگاشتند.

اما در تفاسیر دوره اخیر، مخاطب مفسران، عموم مردم، یا بهتر بگوییم، حوزه گسترده‌تری از مردم بودند. عده در مقدمه تفسیر خود از «جزء عم» به این مطلب اشاره می‌کند و هدف خود را از ساده‌نویسی، یادگیری معارف این جزء از قرآن به سبب شاگردان مدارس می‌داند.^{۳۸}

توجه به موضوعات کارآمد
قبل از این، گفتیم که مصلحان دینی-اجتماعی در گرایش‌های تفسیری خود برخی موضوعات را که از دید مفسران پیش مهم شمرده می‌شدند، انکار می‌کردند. مانند تمام مسائل لغوی، فقهی، صرفی، نحو و نقل الحوال

مذهبی برای دفاع از عقاید فقهی و کلامی و- در این باره در «المنار» چنین می‌خوانیم: «یکی از زبان‌هایی که بر مسلمانان وارد شده این است که اکتفا بر آثار تفسیری، خوانندگان شان را از بعد هدایتی و ارزشی قرآن دور می‌کنند. می‌بینیم که برخی از تفسیر به جای آنکه خواننده را به خود قرآن رهنمون کند، به مباحث اصولیه قواعد نحوی و صرفی و نکته‌های مربوط به علم معنی و بیان مشغول می‌کند. برخی از تفاسیر دیگر نیز هستند که به آرای جدلی متکلمان، اصولیان، فقیهان یا همه تأویلات

صوفیان و نصاب صاحبان فرق علیّه یکدیگر می‌رسانند.^{۳۹}



پیشگام اندیشه اصلاحی پیدایش روش گزینشی

قرآن در تفسیر حیات‌مادی و معنوی انسان است.

۲- آنچه در تفسیر با اقتضای جوامع اسلامی اثر مثبت یا منفی داشته است همچون بحث فتنه و قدر الهی، جبر و اختیار، توکل، اسلام و علم، اسلام و صنعت، اسلام و اقتصاد و-

۳- مفاهیمی که به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم مسوره اسراء و نقد نوبت، شاگردان، مستشرقان و مکاتب غربی قرار گرفته بوده مانند قوانین جزایی و کیفری اسلام، جهاد، وحی و چون‌نگی ارتباط پیامبر با خدا، عصمت انبیا، خاندانیت اسلام، تحریف قرآن، نظم و مسایق قرآن و-

- ۱- التفسیر دار الفکر، بیروت، چاپ دوم، ص ۱۰۳، ج ۳، ص ۳۲
- ۲- محمد عبده، ترجمه، جزء ۱، مطبعه مصر، چاپ دوم، ۱۳۲۱ هـ، ص ۱۱۲-۱۱۰
- ۳- محمد عبده، التفسیر، مطبعه مصر، چاپ اول، ص ۳۲
- ۴- جزء ۱، ص ۱۸۰
- ۵- التفسیر، ج ۱، ص ۲ و در سوره اعراف
- ۶- تفسیر محمد عبده، ص ۱۰۱، ج ۱، ص ۲۴۲-۲۴۵
- ۷- التفسیر، ج ۱، ص ۴۶
- ۸- تفسیر محمد عبده، ص ۱۸۲، مطبعه کتبه
- ۹- ص ۴۸، به نقل از تفسیر پژوهش‌های قرآنی، شماره‌های ۷ و ۸، ص ۵۲
- ۱۰- التفسیر، ص ۳۲۱
- ۱۱- در این باره برای نمونه نگاه کنید به: محمد شادان، تفسیر القرآن الکریم (اللازمه المشرقة الاولى)، بیروت، دار الفکر، چاپ پانزدهم، ۱۴۰۸ هـ، ص ۳۶
- ۱۲- جزء ۱، ص ۲۱
- ۱۳- همانجا، ص ۳۶
- ۱۴- همانجا، ص ۲۱
- ۱۵- التفسیر، ج ۱، ص ۲۶۲، بررسی این اصول چهارده گانه نشان می‌دهد که تکیه بر اصل قانون مدنی، جوامع اسلامی و دست‌یابی به پیشرفت علمی در شیوه حکومت‌داری از اصول مذکور کم‌یادتر است. مصلحان دینی با چندین بار تکرار این اصول در این سوره، در این باره هم‌چنین نگاه کرده‌اند به: عبدالرحمن کواکبی، طبایع الاستنباط، ص ۱۸۲
- ۱۶- در این باره نگاه کنید به: بعضی مرحوم علامه طباطبائی، عز العیون فی تفسیر القرآن، ج ۱۲، ص ۲۱۱ و نیز: فلسفه پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷ و ۸، پاییز و زمستان ۱۳۷۵، ص ۲۲ و ۲۵
- ۱۷- تک‌صوفی، التفسیر، ص ۱۳۲، ص ۱۳۲
- ۱۸- التفسیر، ص ۱۳۲، ص ۱۳۲
- ۱۹- همانجا، ص ۱۳۲، ص ۱۳۲
- ۲۰- ساری از نویسندگان معاصر و معاصرین، در پی عده ابتداء کرده‌اند و چنین متفقد شد که بیشتر مفسران دوران جدید در بسیاری از مسائل به بیان آرای مخالفین قرآن نیز باخته‌اند. محمد جعفر عفاص، باطل (۵)، را معلوم نکردند. در حالی که مفسران پیشین به هنگام تفسیر قرآن به شرح عقیده اهل سنت و جماعت توجه کرده‌اند. نگاه کنید: انجمن‌ات تفسیری، تفسیر القرآن، ج ۱، ص ۱۸۱
- ۲۱- التفسیر، ج ۱، ص ۲۲-۱۶
- ۲۲- التفسیر، ج ۱، ص ۲۸۹-۲۸۸
- ۲۳- محمد طاهر، الاسلام، محمد عبده و مشهوره فی التفسیر، مرکز علمی لائیه، بیروت، چاپ اول، ص ۱۰۴، ص ۱۰۴
- ۲۴- پژوهش‌های قرآنی، شماره ۷ و ۸، ص ۳۶
- ۲۵- التفسیر، ص ۲۰۲
- ۲۶- التفسیر، ص ۱۱۲